

نویسنده گان : پاول فیتسگرالد و الیزابت گولاد

منبع: کونترپونچ

مترجم: پوهندوی دکتور سیدحسام مل

جشنواره عشق در هندوکش

LOVE FEST IN THE HINDU KUSH

هنگام آمدن تصادم با فشار به روی خطِ صفر (WHEN PUSH COMES TO SHOVE ON ZERO LINE)

در احاطه چرخش سیاست ناکارای اداره باراک اوباما، سناریوی افغانستان- پاکستان، با اظهارات هیلری کلینتون- وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا- که نمایانگر اختلاف نظر در سیاست خارجی آن کشور را در اذهان تداعی مینماید، از هشدار و گوشزد صریح و عریان به حاکمان پاکستان، دفعتاً به جشنواره عشق در هندوکش مبدل میگردد و مواجه بودن امپراتوری آمریکا را با سقوط پیام میدهد.

با وجود اظهارات آستی جویانه وزیر امور خارجه آمریکا، طی سفر اخیرش به اسلام آباد و با نادیده گرفتن تداوم حمایت سازمان استخباراتی پاکستان (آی. اس. آی.)، از شبکه تروریستی حقانی، تنشهای ایجادشده میان ایالات متحده و رژیم پاکستان، با همان شدت و اوجش باقی خواهد ماند.

طی ماههای سپری شده پس از کشته شدن اسامه بن لادن در پاکستان توسط نیروهای ویژه دریایی قوای مسلح آمریکا، تعرضهای راکتی {نوع ۵۵}، از مرزهای پاکستان، بر نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا مستقر در خاک افغانستان، افزایش قابل ملاحظه‌ی را نسبت به سال گذشته، بازتاب میدهد. چنان که کارشناسان ارتش آمریکا آن را خطِ صفر مینامند.

با توجه به گذشته، پاکستان از زمان ایجادش در سال ۱۹۴۷م. تا کنون بر تمامیت ارضی افغانستان مداخله نموده است.

قابل یادآوریست، که پاکستان در واقع برای ایالات متحده آمریکا، صفت یکی از متحدانش را در دوران جنگ سرد در برابر اتحاد جماهیر شوروی وقت داشته و آنچه که کارشناسان امور نظامی

غرب از پاکستان در آن زمان تحلیل به عمل آورده بودند، آن است، که آن ها این کشور را به نام «حل کننده بحران» و هم چنان به صفت یک استراتژی محوری «دولت خط مقدم» علیه اتحاد جماهیر شوروی توصیف نموده اند.

پاکستان در دوران جنگ سرد به نسبت تراکم تهدیدها به خاطر براندازی شوروی، به عنوان بخشی از بازی پول و واشنگتن، اعتباری به دست آورد و با ایفای نقش به موقع اش در این بازی، توانست پاداشی به دست آورد. ارتش سرکوبگر پاکستان، در براندازی حکومت معتدل افغانستان و جنبش آزادیبخش و ترقیخواه افغانستان، نقش اساسی دارد.

هر کشور از خود اردویی دارد، ولی پاکستان کشوریست، اردوی آن دارای کشور است! گرداننده گان اردوی آن صاحب شرکتهای سودآور تجارتي میباشد، که در آن ها به انواع فعالیتهای تجاری همیشه گی شان ادامه میدهند.

از جمله، پاکستان در سال ۱۹۸۰م. در زمان زعامت جنرال ضیاالحق شرکتی را در اردو به نام خانه لوژستیک ملی (National logistic Cell) ایجاد نمود، که این شرکت توسط کشتیهای جنگی و کمونهای نظامی حمل و نقل مهمات نظامی و توام به آن انتقال محموله های اویوم و تریاک را به بندر کراچی و از آن جا به جاهای مورد نظر انتقال میداد.

ایالات متحده آمریکا در سالهای ۱۹۶۰-۱۹۸۰م. به جای آن که با شور و نشاط در پی رشد و انکشاف جنبشهای دموکراتیک دست به کار میشد، تا این رژیم خودکامه و ظالم نظامی و رادیکال اسلامگرا را در زمان جنگ سرد مهار میساخت، متأسفانه بدان توجه نکرد! ورنه امروز ابداً هم چو پاکستانی که امروز وجود دارد، نمیداشت! از جانب دیگر، در طول هشت سال اداره بوش، پاکستان در جنگ علیه تروریسم، خود را به صفت متحد آمریکا وانمود ساخت و از اعتماد ایالات متحده آمریکا را با پیشگیری سیاستهای اغواگرانه دیپلماتیک، برخوردار گردید.

ایالات متحده آمریکا همین اکنون با ادامه سیاستهای عاقبت نیندیشانه و ناکام دوران بوش با دادن خون سربازان و دیپلماتها و صرف ملیونها دالر مالیات مردم آمریکا، در خدمت حاکمان پاکستان میباشد. در حالی که پاکستان نی به حیث یک متحد بل، به عنوان یک دشمن در مقابل آمریکا قدعلم کرده است.

هیلمی کلینتون، طی سفرش به اسلام آباد، به طور صریح به مقامهای آن کشور هشدار داده و از حمایت پاکستان از تروریزم انتقاد کرد. هم چنان موصوف، در ادامه مسافرتِ اخیرش به کابل خاطر نشان نمود: "که پاکستان در صورتِ ادامه چنین سیاستهایش قیمتِ گزافی را خواهد پرداخت!".

علاوه بر این، در همین تازه گیها افسر اسبق سازمان سی. آی. ای. ایالات متحده آمریکا و استاد مجرب انستیتوت بروکینز (Brooking) آقای برویس ریڈل (Bruce Riedel) به ارتباط موضوع پاکستان به مقامهای باصلاحیت کشورش این چنین پیشنهاد مینماید: "همین اکنون کمکها به پاکستان باید متوقف شود و کمکهای نظامی ایالات متحده آمریکا به آن کشور باید قطع گردد و در مهار کردن جاه طلبیهای ارتش پاکستان باید به آن کشور به دیده خصم نگریده شود و در همه امور آن طوری که با دشمن معامله صورت میگرد با این کشور نیز به همان گونه اجراء گردد.

مقدم از همه کاربرد اصطلاح جنگ سرد توسط ریڈل نشانه یی از آن است، که برخی از اراکین شامل اداره دولت حمایت شان را به نسبت بازیهای شیطانی که پاکستان با هند انجام میدهند، قطع کردند؛ ولی، از جانب دیگر وزیر امور خارجه در واشنگتن از طرف دوستداران و حمایتگران پاکستانی، پیوسته تحت فشار قرار میگیرد و برایش اظهار میگرد، تا این شهامت را باید داشته باشد، که نباید متحد دوران جنگ سرد آمریکا و مزایای درخور اهمیت آن را با صحبتهای نوسانی خود خدشه دار سازد!

از جانب دیگر آنچه که پاکستان همین اکنون عملاً و بالفعل جنگ گرم را علیه نیروهای ایالات متحده و افغانستان به راه انداخته است، این خود ایده و عمل جنگ سرد را مهار میسازد، که نشانه دیگری از جنگ سرد بوده و آن این که به چه اندازه بیخبری از موضوع جنگ سرد تلقی میشود، آنچه که در واشنگتن پیرامون آن همین اکنون بحث صورت میگیرد.

به گفته محققان متعدد در وهله اول نباید جنگ سرد به اتفاق می آفتید و نی هم باید باورهای ایجادگر جنگ سرد آقای جورج کنان را مبنی بر این که هر پالیسی با معیارهای پالیسی باید مهار ساخته شود نی به واسطه ضرب و شست نظامی کنار گذاشت و یا آن را نفی کرد. سناتور جی. ویلیام فولبرایت در سال ۱۹۷۲م. طی یک مقاله در "نیویارکر" به ارتباط پنداشت ناقصی

که پیرامون جنگ سرد و این که چسان ایدیالوژی و دکترین ترومن تخریب و تحریف یک واقعیت به این شکل ساده سازی میشود، تأسف و اندوه خود را اظهار نمود.

با توجه به متفکران نظامی خود امریکا، در برنامه ریزی جنگ سرد میکانیکی و برنامه نویسی ساخته شده استراتژیستهای دفاعی امریکا، زندانی ساختنهای ظاهری و مجازی به روشهای ستاتیک و منسوخ شده شیهه های استراتژی دفاعی پس از جنگ سرد میباشد، که این استراتژی بعد از واقعه ۹-۱۱ به طور کاملاً نامناسب در تحول محیط زیست ژئوپولیتیک چهره خود را نشان داد.

به هر حال، ایالات متحده امریکا بعد از ده سال تا همین اکنون به دنبال سیاستهایش در قبال افغانستان و پاکستان که با سیاست و با معیارهای ابزار جنگ سرد قطعاً همخوانی ندارد، تکیه زده، ولی موفق به پذیرش آن ابزار حتا در زمان خود که قابل انتقاد و دور از واقعیت است، نیستند.

پاکستان از ایالات متحده امریکا پول دریافت میکند، اما، عملی را که در پاداش آن به ایالات متحده به منصفه اجرا میگذارد، همانا ایجاد موانع در برابر پلانهای عملیاتی ناتو و مساعد ساختن شرایط و زمینه های ناگوار غرض اذیت و آزار آن نهاد نظامی و حمایت از شبکه حقانی میباشد.

پاکستان اجازه میدهد تا تجهیزات نظامی و لوژستیکی ناتو به افغانستان توسط کاروان از بندر کراچی حمل و نقل گردد و اما از جانب دیگر ترجیح میدهد تا در خوش خدمتی به نفع نظامیان چینایی فشار وارده امریکا را جبران نماید. پاکستان به ارتباط افغانستان یک نقش بازیگر در حال انتظار را اجرا مینماید و منتظر آن است، که چه وقت نیروهای ایالات متحده امریکا از افغانستان خارج میگردند، تا مثل قبل از رویداد ۹-۱۱ که بر افغانستان تسلط داشتند، با آرزوهای را که در سر میپروانند، مجدداً به تسلط دوباره شان در افغانستان دست یابند. اما، ایالات متحده با لابی (آن هایی که در پی تحقق بخشیدن یک آرمان میباشد، از مترجم) اش رییس جمهور افغانستان حامد کرزی و در ارتباط با نظامیان و ارتش ایالات متحده امریکا مقیم افغانستان چندان صداقت دیده نمیشود بل، او دایم مصروف جعلکاری میباشد و واشنگتن نیز با پاکستان رابطه نا کارای ابزار جنگ سرد را به کار میبندد.

مشکلها و پرابلمهای رو به تزاید پاکستان هرچه عمیق و گسترده تر میگردد. به قول دُکتور پوهنتون هاردوارد ایالات متحدهء امریکا چارلس گوگان که از سال ۱۹۷۹م. تا سال ۱۹۸۴م. به حیث دایرکتر و رییس سازمان سی. آی. ای. بخش جنوب و شرق آسیا عملیاتها را مدیریت میکرد، چنین خاطرنشان میسازد: «پاکستان برای ایالات متحدهء امریکا نی تنها که یک زوج خوبی نیست، بل، ای کاش! که هرگز این ازدواج اتفاق نمی افتاد»؛ ترس و رعب نظامیان پاکستان از تکرار وقوع رخدادِ که در سال ۱۹۷۱م. در مرز غربی این کشور به وقوع پیوست و در نتیجه جنگ بین هند و پاکستان درگرفت و بنگال از پیکر پاکستان در شرق مجزا و به حیث کشور مستقل به نام بنگله دیش ایجاد گردید، میباشد.

پس با درنظرداشت هم چو رعب و ترس سردمداران و کارشناسان ارتش پاکستان با استفاده از طالبان پشتون میخواهند، جنبشهای اسقلال طلبی پشتونها و بلوچها را تضعیف و ناتوان سازند و از تهدیدی که هر آن امکان تجزیه شدن و پارچه شدن دولت سکولار متزلزل پاکستان تصور میشود، بکاهند و یا از وقوع آن جلوگیری نمایند.

این تلاشها توأم با بازیهای تحریک آمیز پاکستان ممکن است در نهایت امر زمینهء درگیری جنگ نهایی بین هند و پاکستان را مساعد بسازد، که بدون شک یک جنگ هسته یی خواهد بود.

هدف از هم چو بازیهایی که پاکستان نقش آفرینی میکند، آن ست، که کنترل دروازهء ورودی آسیای میانه را به دست آورد.

فلهذا با درنظرداشت هم چو یک هدف میخواهد، افغانستان را تحت تسلط خود درآورد، تا توانسته باشد که یک سرزمین خالص اسلامی را به زعم خود ایجاد نماید و به طور مستقلانه از نام اسلام خالص در منطقه ذینفع گردد. ولی، اگر امریکا میخواهد که در آسیای میانه منافع اش را به دست آورد و یا در آن جا تسلط حاصل نماید، قبل از همه باید در سیاستهایش به ارتباط منطقه درگیر خشونت و منازعه تجدید نظر نماید، که در رأس این سیاست مجدد همانا حمایت از یک افغانستان قوی و نیرومند توأم با پیشتیبانی از جنبشهای آزادیخواهی بلوچستان، پشتونستان، سند و کشمیرمیباشد، که یگانه راه حل معضلات در منطقه تلقی شده میتواند؛ راهی که سیاست نظامی دولتی پاکستان را خنثی و بر آن خط بطلان میتواند بکشد.

سرخورده گی و تشویش اوباما به ارتباط انتخاب مجددش در سال ۲۰۱۲م. در این است، که او متعهد گردیده که بعد از سال ۲۰۱۴م. برای مدت طولانی امریکا باید در افغانستان باقی بماند. که همین اکنون مبنی بر حضور و تسلط برای مدتهای طولانی در هندوکش نیاز به توجیه و استدلال دارد، که با درنظرداشت این بُرهان و دلیل در روابط امریکا و پاکستان ممکن است اخلال رونما گردد و یا در نهایت امر به آزمون در عملکردها منتهی شود.

اگر به روی خط صفر تصادم با ورود فشار به وقوع بپیوندد، در آن صورت ممکن هر دو به زودی از آنچه که آن ها در انتظار آن میباشند، بین هم به چانه زدنهای بیشتری بپردازند.